

فصوص الحکم

سوفیای جاودانه

ترجمه و متن عربی

معه الدین ابن عربی

برگردان به فارسی

قاسم میر آخوری



انتشارات کوهسار

فصوص الحکم (سوفیای جاودانه)

نویسنده: محیی الدین ابن عربی

برگردان به فارسی: قاسم میرآخوری

طرح جلد: مؤسسه آروین

حروفنگاری و صفحه آرایی: مؤسسه آروین

چاپ اول: ۱۳۹۹

تعداد: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

شابک: ۰-۲۷-۸۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸

آدرس: تهران، انقلاب، خ. دوازده فروردین، ک. نوروز، پ. ۲۵

تلفن: ۶۶۴۱۷۴۲۰ - ۶۶۴۹۴۵۴۱

ایمیل: ketabekohsar@yahoo.com

سرشناسه	:	ابن عربی، محمد بن علی، ۵۶۰ - ۶۳۸ ق.
Ibn al-Arabi	:	
عنوان قراردادی	:	فصوص الحکم، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	:	فصوص الحکم
مشخصات نشر	:	سوفیای جاودانه، محیی الدین ابن عربی؛
مشخصات ظاهری	:	برگردان به فارسی: قاسم میرآخوری،
شابک	:	تهران: کوهسار، ۱۳۹۹، ۵۶۴ ص.
وضعیت فهرست نویسی:	:	۹۷۸-۶۰۰-۸۴۱۰-۲۷-۰
یادداشت	:	فیبا
عنوان دیگر	:	کتابنامه به صورت زیرنویس
موضوع	:	سوفیای جاودانه
موضوع	:	عرفان -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	:	Mysticism -- Early works to ۲۰th century
موضوع	:	تصوف -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	:	Sufism -- Early works to ۲۰th century
موضوع	:	فلسفه اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	:	Islamic philosophy -- Early works to ۲۰th century
شناسه افزوده	:	میرآخوری، قاسم، ۱۳۴۰ -، مترجم
رده بندی کنگره	:	۲۸۳BP
رده بندی دیویی	:	۸۳/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی:	:	۶۱۱۱۶۴۶

فهرست

۵	پشگفتار.....
۱۱	شارحان فصوص الحکم.....
۱۹	زندگی نامه.....
۴۷	دیدگاه های ابن عربی.....
۸۹	فصوص الحکم.....
۹۱	(سوفیای جاودان).....
۹۳	آغاز سخن نویسنده.....
۹۵	گوهر فرزانی (نماد) ایزدی در واژه (چهره) آدم.....
۱۰۵	نماد آگاهی بخش دمیدن در واژه (چهره) شیش.....
۱۱۵	نماد آگاهی بخش پاکی و بی آلاشی در (چهره) نوح.....
۱۲۷	نماد آگاهی بخش والایی مینوی در واژه (چهره) ادیس.....
۱۳۵	نماد آگاهی بخش عشق و شوریدگی در واژه (چهره) ابراهیم.....
۱۴۱	نماد آگاهی بخش باورداشت راستین در واژه (چهره) اسحاق.....
۱۴۷	نماد آگاهی بخش بلند پایگی در واژه (چهره) اسماعیل.....
۱۵۳	نماد آگاهی بخش مهر و فرامین خداوندی در واژه (چهره) یعقوب.....
۱۵۹	نماد آگاهی بخش روشنایی و فروغ در واژه (چهره) یوسف.....
۱۶۷	نماد آگاهی بخش یکتایی خدا در واژه (چهره) هود.....
۱۷۹	نماد آگاهی بخش شادگی و زنجیره هایی از تابش های خدا در واژه (چهره) صالح.....

نماد آگاهی بخش دل آگاهی در واژه (چهره) شعیب	۱۸۵
نماد آگاهی بخش نیروی مینوی در واژه (چهره) لوط	۱۹۵
نماد آگاهی بخش راز سرنوشت در واژه (چهره) عزیز	۲۰۱
نماد آگاهی بخش پیامبری در واژه (چهره) عیسا	۲۰۹
نماد آگاهی بخش مهرورزی و خویشاوندی در واژه (چهره) سلیمان	۲۲۷
نماد آگاهی بخش آرمان‌های ایزدی در واژه (چهره) داوود	۲۳۹
نماد آگاهی بخش جان [اندیشمند] در واژه (چهره) یونس	۲۴۷
نماد آگاهی بخش جهان‌آرا در واژه (چهره) ایوب	۲۵۱
نماد آگاهی بخش شکوه در واژه (چهره) یحیا	۲۵۷
نماد آگاهی بخش خویشنداری در واژه (چهره) زکریا	۲۶۱
نماد آگاهی بخش برازندگی و شایستگی در ساخت خدا در واژه (چهره) لقمان	۲۷۵
نماد آگاهی بخش پیشوایی در واژه (چهره) نرون	۲۷۹
نماد آگاهی بخش علوی در واژه (چهره) موسا	۲۸۵
نماد آگاهی بخش فشرده‌گی و پُری در واژه (چهره) خالد بن سنان	۳۰۳
نماد آگاهی بخش تک بودن در واژه (چهره) محمد (ص)	۳۰۵
زندگی و آثار شارحان فصوص الحکم	۳۲۳
نمایه	۳۶۳
منابع	۳۷۵
متن عربی فصوص الحکم	۳۷۷

پیشگفتار

ابن عربی با بهره گیری از قرآن بر این باور است که هر پیامبر، فرستاده‌ای است از سوی خداوند که نشان راه است و راه درست را از بیراهه به مردمانش نشان می‌دهد، هر پیامبر باید به پایه‌ای از بینش و آگاهی درونی رسیده باشد تا همانند آدم نماد خدا در زمین باشد. در قرآن انجمنی از پیامبران و فرستادگان را می‌بینیم که همگی پیام‌آورانی هستند که هیچک با ویژگی ویژه خود به رهنمایی مردمان خویش پرداخته‌اند. در انجمن پیامبران، هر پیامبر الیگتاپرست بوده و هر یک از آنان نمادی از نمادهای خداوند هستند. کاری که ابن عربی در نوشتار فصوص، انجام داده، این است که پیامبران را دارای پایه‌های مبنای درونی دانسته که از راه‌های گوناگون به خدا نزدیک می‌شوند. در پیشگفتار فصوص چنین آورده است: پیامبر در خوابی او را فرمان داده است که فصوص الحکم را بنگارد، ابن عربی با فراتر رفتن از آنچه درباره پیامبران یکتاپرست در میان مسلمانان رواج دارد، بر این باور است که کارکرد پیامبران افزون بر پیام‌آوری، نمایندگی یکی از ویژگی‌های ایزدی است که در آدمی نمود می‌یابد. اندیشه او را می‌توان این چنین نشان داد که «هستی» یا «هست» آنها از آن خداست و آدمی و پدیده‌های جاندار و بی‌جان از خود هستی ندارند. اگر هر آنچه جز خدا را با واژه اعیان ممکنات (نمونه‌های پدیدار گشته) نام می‌برد و بر این باور است که این نمونه‌های پیداشده یا سرشت‌های پیداشده، هستی ندارند. برخی اندیشه او را تنها به گونه نمونه‌های فروغ افلاطونی دانسته‌اند و در بسیاری از نوشته‌های خود، او را الما طرف دوم نام نهاده‌اند. از ویژگی‌های برجسته اندیشه و آیین ابن عربی، دو ویژگی از همه نمایان‌تر است، درون گرایی و به هم آمیختن دیدگاه‌های گوناگون. یکی دیگر از ویژگی‌های تصوف او رازگونه بودن و پوشیدگی است، به گونه‌ای که برای همه مردم آشنا نیست و تنها برگزیدگان از آن سر درمی‌آورند. از این رو ابن عربی برای آشنایی همگان فرهنگ واژگانی را می‌نویسد تا شناخت و آگاهی از نوشته‌هایش برای دیگران آسان شود. با این همه، نوشته‌های او آن چنان پیچیده است که خود شاگردان و شارحان زبردست و کارآمد در دانش فلسفی می‌گویند که همیشه نمی‌توانند درونمایه‌های بنیادین گفته‌های

او را دریابند. آیینی که او در پی گسترش آن است؛ نخست با بدگمانی به خرد سنجش گر آغاز می شود و باور او این است که بیشش درونی صوفیانه که از پارسایی بدست می آید، بهتر و والاتر از خرد نکته سنج است و می گوید آدم باورمند تنها با روش و شیوه کوشش پارسا منشانه به آگاهی ایزدی می رسد و خدا در او می تابد و سپس به آگاهی والایی می رسد که هیچ اندیشه وری نخواهد رسید.

اندیشه های او آموزه ای از عرفان تطبیقی، نوافلاطونیان، دانش نجوم و کیمیا و برخی دانش های غریبه قرون وسطایی است. با این همه، سرچشمه ای که ابن عربی از آن بهره برده است: قرآن و راه و روش پیامبر است.

نوشتار پیش رو متن عربی و برگردان فارسی کتاب فصوص الحکم است. برگردان فارسی آن، بیار روان و ساده است، به گونه ای که دریافت و برداشتش برای همگان آسان باشد، به ویژه با برابر سازی فارسی واژگان فنی که ویژه خود ابن عربی است، کوشیده ام تا آنجا که در تمام بوده، برگردانی روان در پیش روی خوانندگان گرامی بگذارم. امیدوارم این شیوه، درش بهره رسان باشد. پیش از آغاز کتاب فصوص، برای آشنایی خوانندگان با زندگی و بیش صوفیانه ابن عربی، زندگینامه خودنوشت و نیز گفتاری نه چندان بلند با نام دیدگاه، ابن عربی نگاشته ام که بی گمان پاسخ برخی از پرسش های خوانندگان در باره اندیشه و باوره در دیدگاه های ابن عربی از انسان، هستی و نیستی و خدا و..... است. همچنین فهرست وار به نام شرحان فصوص نیز پرداخته ام. امید است این برگردان راه گشای راهیان عشق باشد.

دکتر ابوالعلاء عفیفی نویسنده مصری در پیشگفتار گراستنگ و رمایه خود در شرح کتاب فصوص الحکم ابن عربی می نویسد: همه نوشته های ابن عربی تا بهایی که می دانم از یک سرچشمه برآمده است، آن هم، سرچشمه و آبشخور تصوف است و او در همه زندگی خود هم در رفتار و کردار و هم در اندیشه، آن را بکار بسته است. ابن عربی نه به مانند ابن سینا بود که فلسفه و پزشکی و ریاضیات و تصوف را درهم آمیزد و نه مانند غزالی که در اصول فقه و منطق و تصوف نگارش داشته است و خود را به پیچیدگی های فیلسوفان و پذیرا نبودن اندیشه ها و دیدگاه های آنان بر دیگران که خدانشناس بودند، سرگرم نکرد. از این رو همه کوشش خود را بر آن داشت تا پیرامون تصوف قلم فرسایی کند. وی گام نخست را در این راه با نوشته هایی آغاز کرد که زمینه های ویژه داشتند. مانند: «التدبیرات الالهیه» که آن را در باره سرزمین آدمی و پیوند میان آدمی و جهان نوشت، «مواقع النجوم» که در زمینه آیین های رهروان راه خداست، «رساله الخلوة» که

آن را در زمینه پند و اندرز به پیروان و کارهایی که در تنهایی باید به انجام رسانند، نگاشت، «عنقاء مغرب» را در باره ولایت نگاشته شده است. ابن عربی پس از این نوشته‌ها، به نگارش نوشته‌های ستر پر داخت که بخش‌های عملی و نظری تصوف را داراست، مانند: فتوحات مکیه که آن را در میان سال‌های ۵۹۸ تا ۶۳۵ نگاشته است. در این نوشتار سترگ به گردآوری پاره‌هایی از دانش‌ها پرداخته که نمادی از فرهنگ اسلامی در برخورداری از بیشترین درونمایه‌های خود بود و همه آن‌ها را در پیش‌کاری دانشی بنیادین به نام تصوف درآورد. در پایان راه، در هنگام پختگی خردورزانه و درونی، ایشان «فصوص الحکم» را نگاشت که فشرده و گزیده‌ای از اندیشه‌هایش را نشان می‌دهد که بیش از چهل سال، در سینه‌اش نگه داشته بود؛ زیرا او نه چنین جسارتی داشت که همه آن را را مویدا نماید و نه اینکه به روشنی آن را بنویسد، تا اینکه آن را در کتاب فصوص الحکم نگاشته و آشکار کرد و به همان اندازه که همگان را شگفت‌زده و سپاس‌گزار کرد، این اثر در روشن‌شان به سرگشتگی و دودلی انداخت.

گزاره نگفته‌ایم اگر پایه و جایگاه و ارزش فصوص الحکم را از همه نوشته‌های ابن عربی بالاتر و ژرف‌تر و از همه بیشتر بدانیم و بالاترین درخشش را در پدید آمدن اندیشه صوفیان، هم در روزگار او و هم در روزگاران پس از او داشته است. ابن عربی دیدگاه «وحدت وجود» را با بهترین شرح نگاشته و برای آن واژگان صوفیانه پرمایه و رسایی را ساخته و پرداخته کرده است. برای این کار از هر آبخوری که توانسته، بهره برده است، مانند: قرآن، گفتار پیامبر، دانش کلام، عقیقه مشاء، فلسفه نوافلاطونی، گنوسی، مسیحی، فلسفه رواقی و فلسفه فیلون یهودی و چنان که از واژگان اسماعیلیان باطنی، قرمطیان، اخوان الصفا و صوفیان مسلمان پیشین بهره برده است. با این همه، او همه این واژگان را به رنگ ویژه‌ای برگردانده و درونمایه‌های آن را با رنگ‌گون کرده است که با آیین و راه و روش عرفانی او در «وحدت وجود» هماهنگ باشد. وی با این کار در اندیشه‌های صوفیانه، اندوخته‌ای از واژگان بر جای نهاد که چند سده، مایه‌ای پر بها برای «صوفیان وحدت وجود» در جهان اسلام، و زمینه همه گفته‌ها و سخنانی بود که نویسندگان صوفی پیش کشیده بودند. پس از ابن عربی، هیچ صوفی مسلمانی نبود، چه حکامه‌سرا و چه نویسنده، چه تازی و چه فارس و ترک که از فرهنگ واژگان او بهره نبرده باشد و با بهره گرفتن از واژگان او سخن نگفته باشد، نمی‌گویم که همه این واژگان فلسفی - صوفیانه رسا و پرمایه‌ای که نویسنده در باره آن نوشتار ویژه‌ای را نگاشته، در فصوص هست، چون فتوحات مکیه او در زبان عربی بزرگترین دانشنامه

تصوف می‌باشد که پر از این واژگان است، لیک فصوص پایه و بنیاد این واژگان را داراست و چنان باریک‌بینی دانشورانه و پختگی خردورزانه‌ای دارد که در هیچ یک از نوشته‌های او نمی‌توان یافت. کسانی که از راه و روش صوفیانه او پیروی کرده و از او بهره گرفته‌اند، رویکردشان بیشتر به واژگان ویژه فصوص بوده است.

با این همه ارزش فصوص‌الحکم تنها وابسته به واژگانی نیست که صوفیان و شاعران پس از وی این واژگان را پیوسته بکار برده‌اند، بلکه نویسنده در این نوشتار به اندیشه بنیادین خود، که همان اندیشه «وحدت وجود» و شاخه‌های دیگری که از آن گرفته شده پرداخته است، و در ریافت این ایده‌ها، شیوه ویژه‌ای را برگزیده است که در دیگر نوشته‌های او همانندی ندارد. در چارچوب دیدگاه بنیادین خود میان همه این ایده‌ها پیوندی پایدار پدید آورد. بنام این خوانش فصوص به ما فشرده یک دیدگاه را پیش کش می‌کند که دارای بخش‌های به هم پیوسته هستند، و این پیوستگی با این پرمایگی و رسایی در هیچ یک از نوشته‌های او دیده نمی‌شود. همان گونه که در نوشته‌های صوفیان دیگر که پیش از او بوده است یا پس از او آمده‌اند، نیز دیده نمی‌شود. از این رو صوفیان پسین برای درونمایه‌های فصوص‌الحکم تیر و آمدن ابر عربی باشند.

چکامه‌ها و سرودهای صوفیانه، که مرده بگ سرایندگان پارسی زبان است، واکنشی از همان درونمایه‌های نوآورانه نویسنده فصوص‌الحکم (ابن عربی) است که هوش سرشار ایرانی از آن‌ها بهره جسته و با نوآوری ویژه‌ای، آن را به نگارش در آورده است. دل‌های چکامه‌سرایان فارسی و ترک پرگشت از درونمایه‌های «وحدت وجود» که در برگیرنده عشق ایزدی است، عشق ایزدی که همه هستی در دستان آن و همه چیز بر آن پایدار است، و گفتند که خدا بنیاد هر پدیده‌ای است و با بخشش‌ها و دهش‌های بی‌درپی خود در همه جهان روان بوده و در کارکرد پدیده‌ها در یکدیگر، کوشش گر راستین است. همه پدیده‌ها از او آفریده می‌شوند و هر بخشی از او پدید می‌آید و هر دم سیمای نویی پیدا می‌کند و سیماهای او پایانی ندارند و از سیمای پیشین بدرآمده، خود را از سیمایی به سیمای دیگر در می‌آورد. جهان پدیده‌ها هر دم با آفرینش نو، آفریده می‌شوند و در دمی دیگر نابود و نیست می‌گردند. گرچه برای پی در پی بودن سیماهایی که می‌آیند و می‌روند، این آفرینش‌نو را در باره خود و جهانی که ما را در بر گرفته در نمی‌یابیم.